

آیه تطهیر در تفاسیر مهم اهل سنت

عبدالله جوان ملکوتی

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد جنوب تهران

چکیده:

صحابه رسول اکرم (ص)، تابعین و دانشمندان اسلامی، همه اتفاق نظر دارند که آیه تطهیر در باره پنج تن آل عبا (اصحاب کساء) فرود آمده است؛ حتی ام سلمه و عایشه که خود شاهد بر نزول آیه بوده و امید داشته‌اند که مشمول این آیه باشند بر دلالت آن فقط بر پنج تن تصریح کرده‌اند، با این حال، معدودی از افراد، با نظرات شخصی خود، کوشیده‌اند تا این آیه را یا فقط به زنان پیامبر (ص) اختصاص دهند و یا علاوه بر پنج تن، همسران آن حضرت را نیز مشمول آن بدانند. گروهی نیز دامنه مشمول آن را گسترده‌تر دانسته و عموم خاندان پیامبر (ص) را در زمره اهل بیت شمرده‌اند. بدیهی است که اجتهاد شخصی آنان در مقابل نصوص و روایات معتبر باطل و مردود است. سیاق آیه نیز حکایت از اراده تکوینی خداوند بر زدودن آلودگیها از اهل بیت دارد.

کلیدواژه‌ها: اهل بیت، آیه تطهیر، آل عبا، اصحاب کساء، اراده تکوینی خداوند، رجس پلیدی، عکر مه.

آیاتی که در فضیلت و منقبت اهل بیت عصمت و طهارت در قرآن کریم نازل شده، بیش از آن است که در چند مجلد کتاب گرد آید؛ به اعتراف دانشمندان اسلامی، حدود بیش از سیصد آیه در شأن اهل بیت نازل شده است. خطیب بغدادی از اسماعیل بن جعفر (راوی موثق)... از ابن عباس نقل کرده است: در قرآن، سیصد آیه در باره علی بن ابی طالب (ع) نازل شده است

(تاریخ بغداد، ۶/۲۲۱). ابن حجر هیشمی (صواعق محرقة، ۷۶۱) و شبلنجی (نورالابصار، ۷۳) از ابن عساکر از ابن عباس، موضوع نزول سبده آیه در باره علی (ع) را نقل کرده‌اند (جعفری، ۱/۱۹۶). علامه مظفر می‌گوید: آیات نازل در فضیلت اهل بیت (ع) اگر در کتب امامیه، احصاء شود، بیش از سبده آیه خواهد بود (دلایل الصدق، ۲/۳۳۱ - ۳۴۵). ما از این میان فقط به آیه تطهیر «أَمَّا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (سوره احزاب/۳۳) که بیشترین ارتباط را با اهل بیت (ع) دارد، می‌پردازیم و آراء و اقوال مفسرین بزرگ اهل سنت را در تفاسیر مهم آنان بررسی می‌نماییم.

ام سلمه گوید: پیامبر اکرم (ص) در خانه من بود، فاطمه (س)، غذایی در ظرفی که از سنگ بود پیش آورد. ... پیامبر (ص) فرمود: شوهر و فرزندان را هم بیاور تا با هم این غذا را تناول نمایم. پس از آمدن آنها، سفره گسترده شد، غذا را خوردند؛ نبی اکرم روی پارچه خیبری نشسته و من در گوشه‌ای نماز می‌خواندم، در همین احوال آیه تطهیر نازل شد. پیامبر (ص) پس از نزول آیه، همان پارچه خیبری را بر روی عزیزان خود کشید و خود هم در زیر پارچه قرار گرفت و دستها را به سوی آسمان گرفته و عرضه داشت: بار خدایا! اهل بیت و ویژگیان زبده من این چهار تن‌اند، پروردگارا هر پلیدی را از اینان دور، و هر چه بهتر پاک نهادشان فرما!

[ام سلمه گوید:] در حین دعای پیامبر (ص)، سرم را نزدیک آوردم و گفتم: آیا من هم مشمول این دعا و موهبت هستم؟ رسول خدا فرمود: نه، لیکن تو پایان خوشی داری (طبری، ۲۲/۵ - ۷؛ ابن کثیر، ۵/۴۵۳ - ۴۵۸؛ فخر رازی، واحدی نیشابوری، حاکم حسکانی، بغوی، سیوطی و دیگران نیز این روایت را با اختلاف کمی آورده‌اند).

مضمون این روایت با عباراتی دیگر و از طرق معتبر و موثق دیگر به نقل از ام سلمه و عایشه در کتب روایی اهل سنت آمده است که به جهت پرهیز از اطناب از ذکر آنها خودداری می‌شود؛ تنها یاد آور می‌شویم که حاکم حسکانی (متوفی ۴۷۰ هـ) در شواهد التنزیل بیشترین روایات را در ذیل آیه شریفه «أَمَّا يُرِيدُ... تطهیراً»، با اسناد و طرق مختلف و با تعبیرات متعدد و بسیار دقیق آورده است. در اینجا فقط به ذکر نام راویان اصلی آیه تطهیر و تعداد آنها و برخی دیگر از خصوصیات روایات اکتفا می‌کنیم. این روایات در مجلد دوم از صفحه ۱۸ تا ۱۴۰ در طی تعداد ۱۳۸ روایت از حدیث ۶۳۷ تا ۷۷۴ به طور مستند به شرح زیر

آمده است:

۱- روایت انس بن مالک انصاری، به هشت طریق؛ ۲- روایت براء بن عازب انصاری، به دو طریق؛ ۳- روایت جابر بن عبدالله انصاری، به دو طریق؛ ۴- روایت حسن بن الزهراء البتول (علیهما السلام)، به پنج طریق؛ ۵- روایت سعد بن ابی وقاص زهری، به سه طریق؛ ۶- روایت ابوسعید سعد بن مالک خدری، به دوازده طریق؛ ۷- روایت عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب هاشمی، به سه طریق؛ ۸- روایت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (ع)، به یک طریق ۹- روایت عبدالله بن جعفر طیار (رض) از پدرش به سه طریق؛ ۱۰- روایت امّ المؤمنین عایشه، به ده طریق؛ ۱۱- روایت واثله بن اسقع لثی، به هشت طریق؛ ۱۲- روایت ابی الحمراء هلال بن الحارث خادم النبی (ص) به ده طریق ۱۳- روایت فاطمة الزهراء بنت المصطفی (ص) به دو طریق؛ ۱۴- روایت امّ المؤمنین امّ سلمه (هند دختر سهیل) به شصت و نه طریق، یعنی حدود شصت نه نفر جداگانه، این حدیث را از ام سلمه نقل کرده‌اند (شواهد التنزیل، ۱۸/۲ - ۱۴۰).

مرحوم بحرانی نیز در غایة المرام حدود ۴۱ حدیث به نقل از کتب عامه آورده است؛ روایات بسیاری هم بر پایه منابع اهل سنت در کتاب سیل النجاة فی تتمه المراجعات (ص ۳۶-۴۳) آمده است.

چهار نظر در شمول آیه تطهیر

۱- روایات و نصوص معتبر و متواتر از اکثر صحابه و تابعین از جمله امّ سلمه، عایشه، ابوسعید خدری، مالک بن انس، امیر المؤمنین علی (ع) امام حسن، فاطمة زهرا (ع)، مجاهد، قتاده و غیر آنها از صحابه و علمای اسلام، به طور مستند وارد شده که آیه تطهیر را مخصوص به پنج تن آل عبا می‌شمرند و زنان و خویشان پیامبر را از عنایات خاصه این آیه محروم می‌دانند.

دلایل این مطلب علاوه بر کثرت روایات معتبر و صحیح، وجود محتوا و سیاق متفاوت آیه تطهیر با آیات قبل و بعد آن و تغییر لحن خطاب از ضمیر جمع مؤنث به جمع مذکر «عنکم»، «لِیُطَهَّرَ کُمْ» و اعتراف همسران پیامبر (ص) نسبت به عدم شمول آیه بر زنان پیامبر (ص) و غیر اینها می‌باشد.

شوکانی ضمن تقسیم و ذکر نظرات، در مورد نظریه اول می‌گوید: روایات معتبر بسیاری از راویان، از جمله روایات ترمذی، ابن جریر، ابن مندز، حاکم (که حدیث را صحیح دانسته‌اند)، ابن مردویه، بیهقی، ابن ابی حاتم، طبرانی، احمد بن حنبل، ابن کثیر را با طرق زیادی از احمد بن حنبل و بسیاری از علمای دیگر نقل کرده و آیه تطهیر را منحصرأً شامل پنج تن آل عبا می‌شمرد و زنان پیامبر (ص) را از شمول آیه خارج می‌سازد (فتح القدير، ۲۷۰/۴).

۲. گروهی مانند عکرمه، مقاتل و سعید بن جبیر، اهل بیت را مخصوص زنان پیامبر (ص) می‌دانند و می‌گویند: منظور از بیت، بیت پیامبر است که مسکنهای زنان آن حضرت است (نک: دنباله مقاله).

۳. گروهی از علما برآنند که پنج تن و نیز همسران پیامبر (ص) مشمول این آیه هستند، زیرا زنان به خاطر آنکه در منزل پیامبر (ص) ساکن بوده‌اند از اهل بیت به شمار می‌آیند، ضمناً سیاق آیات هم آنها را در بر می‌گیرد؛ روایت ابن عباس و غیر او نیز این نظر را تأیید می‌کند. اما فاطمه، حسن و حسین به خاطر قرابت و بنوت و علی به حکم معاشرتش با دختر پیامبر (ص) و ملازمتش با خود پیامبر (ص)، مشمول آیه می‌باشند (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۶۸/۹؛ فتح القدير، ۲۷۰/۴).

۴. نظریه دیگری نیز هست که از روایت زید بن ارقم استفاده می‌شود. در این نظریه عموم خاندان پیامبر اعم از عموها و زنان و اولاد و کلیه خویشاوندان پیامبر (ص) را مشمول این آیه می‌دانند. در واقع، صاحبان این نظر کلمه بیت را در این آیه نسبت تلقی می‌کنند که شامل آل علی، آل عقیل، آل جعفر و آل عباس می‌شود.

نظرات فوق را عده‌ای از مفسرین اهل سنت با تعبیرات مختلفی در تفاسیر خود بیان نموده‌اند از جمله فخر رازی (متوفی ۶۰۶ هـ) در مفاتیح الغیب، قرطبی (۱۸۳/۱۴)، بیضاوی (۳۸۲/۳)، ابن کثیر (متوفی ۷۷۴ هـ)، نیشابوری (متوفی ۸۵۰ هـ) در حاشیه جامع البيان (۱۰/۲۲)، ثعالبی (متوفی ۸۷۵ هـ، ۲۲۸/۳)، کاشفی سبزواری (ذیل آیه تطهیر)، سیوطی (۱۹۸/۵، ۱۹۹)، ابوالسعود (متوفی ۹۵۱ هـ، ذیل آیه تطهیر)، حقی بروسوی (متوفی ۱۱۳۷ هـ، ۱۷۱/۷۰)، شوکانی (متوفی ۱۲۵۰ هـ، ۲۷۱/۴)، آلوسی (متوفی ۱۲۷۰ هـ، ۱۸۷/۳-۱۹۰)، طنطاوی (۱۳۵۸ هـ، ۲۸/۱۶) و دیگران نیز آورده‌اند.

اهل البیت چه کسانی هستند؟

دکتر محمد بیومی مهران، استاد دانشگاه اسکندریه، جهت معرفی اهل البیت، ابتداء سؤال فوق را مطرح کرده و سپس به تقسیم و توضیح نظرات مختلف پرداخته است. وی سؤال کرده است: «مَنْ هُمْ هَؤُلَاءِ اَهْلُ الْبَيْتِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ» (اهل البیت، چه کسانی هستند)، آنگاه پاسخ می‌دهد: تمام دانشمندان تاریخ و حدیث، اتفاق یا قریب به اتفاق نظر دارند که اهل بیت همان پنج شخصیت بزرگوار می‌باشند و آنان عبارتند از: ۱. سیدنا و مولانا و جدنا محمد رسول الله (ص)، ۲. سیدنا و مولانا و جدنا الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۳. سیدة نساء العالمین جدتنا السیدة فاطمة الزهراء (ع)، ۴. سیدنا الامام الحسن بن علی بن ابی طالب (ع)، ۵. سیدنا و جدنا و مولانا الامام الحسین علیه السلام، و پس از ذکر نظریه متفق علیه دانشمندان می‌گوید: آراء دیگری نیز وجود دارد که اجمالاً به آنها می‌پردازیم:

سه نظریه در باره اهل البیت

نظریه اول: عبارت است از این که اهل بیت، همان همسران پیامبر (ص) اند. این نظر را سیوطی از عکرمه نقل کرده است. عکرمه برای اثبات حرف خود، اعلام مباحثه نیز می‌کرد. نظریه دوم: مراد از اهل البیت، بیت نسب است که صدقه بر آنان حرام است و مراد از آنان همان بنی هاشم یعنی اولاد علی، اولاد عقیل، اولاد جعفر بن ابی طالب، اولاد عباس بن عبدالمطلب و کلیه افرادی‌اند که به بنی هاشم منتسب هستند و به آن بیت نسب و خاندان بنی هاشم گویند.

نظریه سوم: مراد از اهل البیت فقط پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام) می‌باشد؛ نظر صحیح و متقن بلکه متفق، همین نظر است (الامامة و اهل البیت، ۱/ ۱۱-۲۶). آنگاه نظریه اول را با هشت دلیل رد می‌کند و نظریه دوم را به این دلیل که مشمول آیه تطهیر نمی‌داند، مسکوت نهاده است. [البته باید افزود: مراد از بیت، نمی‌تواند بیت نسب باشد؛ زیرا با توجه به وجود «ال» در «البیت» که خانه معین و مشخصی را نشان می‌دهد و آن همان خانه ام سلمه است و با عنایت به اعمال گوناگون و مکرر رسول اکرم (ص) از قبیل زیر جامه قرار دادن خود با چهار تن دیگر و خواندن آیه بر آنها و یا دعا کردن بر آنها و اینکه اینان فقط اهل بیت من هستند و یا مکرر جلوی در خانه فاطمه (ع) آیه تطهیر را خواندن و غیر آنها، ثابت می‌کند

که مراد از اهل بیت افراد خاص و ویژه‌ای است که پیامبر آنها را معرفی کرده است؛ اما نظریه سوم را که در باره پنج تن است با روایات و نظرات علماء، در حدود ده صفحه تأیید و تثبیت می‌نماید (برای تفصیل بیشتر نک: بیومی مهران).

شایان ذکر است که ایشان متعرض نظریه چهارم (که آیه را شامل پنج تن همراه با زنان پیامبر می‌داند) نشده است، زیرا که این نظریه در واقع اجتهاد و نظر شخصی برخی از مفسرین و از مقوله اجتهاد در مقابل نص است.

بررسی نظرات در باره اهل بیت و شمول آیه تطهیر

نظرات چهارگانه‌ای را که در باره شمول آیه تطهیر قبلاً گفته شد، یک بار دیگر به اختصار مرور می‌کنیم: ۱. مخصوص پنج تن آل عبا است، ۲. مخصوص زنان پیامبر است، ۳. عام و شامل هر دو طایفه یعنی پنج تن و زنان پیامبر (ص) است، ۴. شامل بیت و خاندان بنی هاشم است. اکنون لازم است که آنها را به محک اعتبار زده تا صحت و ارزش هر کدام روشن گردد. نظر اول که آیه تطهیر را مخصوص پنج تن آل عبا می‌داند، مورد اتفاق یا قریب به اتفاق همه اصحاب و تابعین و مفسرین بوده است و نیازی به بحث در باره اثبات آن نمی‌بینیم. اما نظر دوم و سوم هر دو، یک آبشخور و وجه اشتراک دارند، یعنی این که دو می‌همسران پیامبر (ص) را مشمول خاص آیه و سوم می‌مشمول عام (و مشترک با پنج تن) می‌داند، در واقع هر دو نظر، زنان پیامبر را در بر می‌گیرند و در ادعای خود دارای یک وجه مشترک هستند. قبل از بررسی این که آیه تطهیر تنها شامل زنان پیامبر یا زنان و پنج تن با هم است؟ لازم است پنج نکته را بیان کنیم:

نکته اول: اعترافات صریح همسران

الف - ام سلمه و عایشه صریحاً در روایات متعدّد از جمله روایات ابوسعید خدری از ام سلمه، ابن وهب از ام سلمه، حکیم بن سعد از ام سلمه، احمد بن حنبل با اسناد از ام سلمه، عموزاده ابن حوشب از عایشه و دیگر روایات، اعتراف و اذعان دارند که از پیامبر (ص) درخواست کردند که در این موهبت الهی در زمره اهل بیت قرار گیرند، ولی پیامبر اکرم (ص) با کمال صراحت و بدون ابهام در خواست آنها را ردّ نموده می‌فرماید: که شما عاقبت به خیر هستید ولی از اهل بیت نیستید. بدیهی است جایی که خود همسران اعتراف و اقرار صریح

دارند که ما (همسران) از این موهبت الهی و از محتوای آیه شریفه خارج هستیم، چگونه و با چه دلیلی، دیگران، امثال عکرمة و برخی از مفسرین زنان پیامبر (ص) را داخل در زمرة اهل بیت دانسته‌اند؟

ب - طبقه اول از مفسرین صحابه و صدر اول اسلام که سیوطی (اتقان، ۱۸۷/۲) مشهورترین آنها را ده نفر یاد کرده (۱-۴. خلفای اربعه، ۵. ابن مسعود، ۶. ابن عباس، ۷. ابی بن کعب، ۸. زیدبن ثابت، ۹. ابو موسی اشعری، ۱۰. عبدالله زبیر) و به گفته دکتر ذهبی (۶۲/۱) که شش نفر دیگر بدانان افزوده (۱۱. انس بن مالک، ۱۲. ابو هریره، ۱۳. عبدالله بن عمر ۱۴. جابر بن عبدالله، ۱۵. عبدالله بن عمرو بن العاص، ۱۶. عایشه) و نیز همه مفسرین صحابه بدون استثنا و مفسرین طبقات بعدی از تابعین تابعین و دانشمندان اسلامی در کتب تفسیری و حدیثی خود، اتفاق نظر دارند که آیه تطهیر در باره پنج تن (محمد (ص)، علی، فاطمه، حسن، و حسین، یعنی اصحاب کساء) نازل شده است. قدر جامع روایات این است که پیامبر (ص) پس از نزول آیه تطهیر، علی، فاطمه، حسن و حسین را زیر عبا جمع کرد و آیه تطهیر را بر آنها تلاوت کرد، سپس دست راست از زیر عبا بیرون آورد و به سوی آسمان بلند کرد و عرض نمود: اللهم هؤلاء اهل بیتی فطهرهم تطهیراً (یعنی، بارالها اینان اهل بیت من هستند: پس آنها را پاک و پاکیزه گردان). بعد از این جریان ام سلمه در خواست می‌کند که با اهل بیت باشد، پیامبر اجازه نمی‌دهد؛ همچنین عایشه (در روایت دیگر) در خواست می‌کند که با آنها باشد، پیامبر (ص) می‌فرماید: تَنْحِي فَأَنْكِ عَلَى خَيْرٍ (دور شو که تو بر خیر هستی).

نکته دوم: اختصاص آیه بر زنان پیامبر، ادعای واهی است

عکرمة غلام ابن عباس از میان تابعین و بعدها پیروان او، مقاتل بن سلیمان و دیگران، تمام اقدامات عملی پیامبر (ص) در مورد تعیین مصداق آیه تطهیر را که به طور مکرر انجام داده و پنج تن را به عنوان اهل بیت تعیین و معرفی نموده، و نیز قول صحابه و مفسرین صدر اول را همه نادیده گرفته و خلاف آن اظهار نموده‌اند که آیه تطهیر فقط در باره زنان پیامبر (ص) نازل شده است. عکرمة در این ادعای واهی تا مرز مباحله با مخالفین خود، پا فشاری می‌کرد. اعلام آمادگی وی برای مباحله موجب گردیده که عده‌ای از پیروان او، ادعایش را باور کنند و ادعای او رفته رفته به صورت روایت به کتب اهل سنت وارد شود؛ و همین نظر خلاف، مبنای

نظرات مخالف عده‌ای از مفسرین بعدی اهل سنت گردد؛ به همین خاطر است که می‌بینیم اکثر مفسرین بعدی، احادیث مربوط به اختصاص آیه تطهیر به پنج تن آل عبا را بدون ایراد و اشکالی، به طور مستند نقل کرده و در پایان قول عکرمة را به عنوان یک حدیث مغایر با همه آن احادیث، نقل می‌نمایند؛ مثلاً ابن جریر ۱۸ روایت در باره اختصاص آیه به پنج تن به طور مستند آورده و در پایان قول عکرمة را بدون اظهار نقل کرده و می‌گذرد (ابن جریر، ۲۲).

اما ابن کثیر ابتدا قول عکرمة را آورده و می‌گوید: اگر منظور عکرمة این است که آیه تطهیر در میان آیاتی است که در باره زنان پیامبر نازل شده است و بنابراین زنان پیامبر سبب نزول این آیه‌اند، این مطلب صحیح است؛ ولی اگر منظور عکرمة این باشد که «مقصود و مراد از آیه تطهیر، فقط زنان پیامبر است» این مطلب نادرست است، زیرا احادیث فراوانی داریم که دلالت بر کسانی غیر از زنان پیامبر هم دارد؛ آنگاه وی ۱۵ حدیث مستند مبنی بر اختصاص آیه تطهیر به پنج تن را نقل می‌کند. شایان توجه است که در میان این همه روایات در پیرامون آیه تطهیر به عنوان نمونه حتی یک روایت هم وجود ندارد که زنان را اختصاصاً یا اشتراکاً مشمول آیه تطهیر بداند، جز قول شخصی عکرمة و اجتهاد شخصی مفسران بعدی که مبنای همه آنها قول بی اساس و بدون دلیل عکرمة است.

برای پی بردن به بی اعتباری سخن عکرمة، شایسته است که او را بهتر بشناسیم. بنابر نوشته اکثر علمای تراجم و رجال و حدیث، عکرمة از دشمنان سرسخت علی (ع) بوده است، بنابراین می‌توان نظر او را در باب این آیه ناشی از عداوت و خرده حساب شخصی با امام (ع) دانست.

فرید وجدی گوید: عکرمة غلام عبدالله بن عباس از اهل مغرب بود؛ هنگامی که ابن عباس از طرف علی بن ابی طالب (ع) والی بصره شد، این غلام را حصین بن خیر عنبری، به وی بخشید. ابن عباس در تعلیم قرآن و سنت و نامهای عرب برای او خیلی تلاش کرد. اما وی به این سبب که بر رأی خوارج بوده دانشمندان نظر مثبتی نسبت به او ندارند و احادیث او را نمی‌پذیرند. عبدالله بن ابی الحارث گوید: بعد از فوت عبدالله بن عباس، بر علی پسر ابن عباس وارد شدم، دیدم که عکرمة را به عنوان تنبیه در اطاقی زندانی کرده است؛ گفتم: با غلام خود این طور رفتار می‌کنی؟ گفت: چون به پدرم دروغ می‌بندد (دائرة المعارف وجدی، ۵۳۳/۶).

علامه سیّد عبدالحسین شرف الدّین می‌گوید: عکرمة کوشش می‌کرد مردم را در صف دشمنان علی (ع) بکشاند، و در راه انصراف مردم از آن حضرت و دور کردن آنها از مقام ولایت، سعی و تلاش پیگیری داشت. او سر دستۀ طایفه مهمّی از خوارج و معتقد بود که تمام مسلمین کافرند، و مسلمان واقعی که از اسلام حقیقی بر خوردار است، تنها از خوارجند. خالد بن عمران گوید: در موسم حجّ از عکرمة شنیدم که می‌گفت: اگر کلیّۀ حاجیان را که در مناسک حج حضور دارند، از دم تیغ بگذرانم، به منتهای آرزوی خود رسیده‌ام؛ و در بارۀ آیات متشابه قرآنی می‌گفت: «هدف باری تعالی از فرو فرستادن این گونه آیات، چیزی جز گمراه کردن مردم نیست». به گفته فرزند ابن عباس، این مرد بر ابن عباس دروغ می‌بسته، و روایات جعلی به او نسبت داده‌است. عبدالله بن حارث در حضور فرزند ابن عباس سخت به او تاخت و گفت: چرا خدا را رعایت نمی‌کنی و از تقوی گریزانی. از ابن مُسَیب، حکایت شده که به غلام آزاده شده خود گفت: مبادا همچون عکرمة که بر مولایش ابن عباس دروغ می‌بست، نسبت خلاف واقع به من دهی. علامه شرف الدّین مطالب زیادی در دروغگویی و فساد عقیده عکرمة آورده‌است، (الكلمة الغراء، ۲۰۹ - ۲۱۱، به نقل از میزان الاعتدال ذهبی، فتح الباری ابن حجر عسقلانی، و فیات الاعیان ابن خلکان، ارشاد الادیب، یاقوت).

وضع مقاتل بن سلیمان هم بهتر از عکرمة نیست و همچنین عروة بن زبیر، هر دو فاسد العقیده و نسبت به علی (ع) دشمنی داشتند (ذهبی، تذکرة الحفاظ، ۱/۱۷۴؛ میزان الاعتدال، ۴/۱۷۳؛ حلبی، الكشف الحثیث عمّن رُمی بوضع الحدیث، ۲۶، شوشتری، قاموس الرجال، ۶/۲۹۹).

شایان ذکر است که در کتب تفسیر و حدیث عامّه از ابن عباس روایات متعددی نقل شده که حکایت از عدم شمول آیه تطهیر نسبت به زنان پیامبر اکرم (ص) می‌نماید، به عنوان نمونه: روایت هفتم از کتاب غایة المرام که احمد بن حنبل با سند خود از ابن عباس نقل کرده‌است و همچنین حاکم حسکانی در شواهد التنزیل در روایات شماره ۶۷۳ الی ۶۷۵ از ابن عباس آورده که وی آیه را مخصوص به پنج تن آل عبا می‌داند؛ پس روایت عکرمة از ابن عباس عقلاً و نقلاً باطل خواهد بود.

نکته سوم: انگیزه‌های مفسرین اهل سنت

چنانکه یادآور شدیم، مبنای اجتهاد و نظرات مفسرین بعدی، قول عکرمه و همکاران یا پیروان او است، اما چه عامل و انگیزه‌ای سبب شده که با این حدّث و شدّث قول عکرمه و پیروان او اخذ گردد و مبنای نظرات مخالف قرار گیرد؟ به چند عامل و انگیز اشاره می‌نماییم:

۱. اعتماد به قول و ادعای عکرمه و پیروان او که منشأ همه نظرات خلاف و انحرافات گشته است.

۲. استقرار آیه تطهیر در وسط آیاتی که مربوط به زنان پیامبر است که موجب تصوّر سیاق واحد شده است.

۳. تغییر ضمایر مؤنث به جمع مذکر را به خاطر مشارکت پیامبر، علی، حسن و حسین با زنان پیامبر و از باب تغلیب مذکر دانسته‌اند.

۴. تعصب نا روای مذهبی خود مفسران که اگر این همه امتیاز و بخصوص عصمت را برای پنج تن قایل شوند، با برخی از معتقدات آنها سازگاری نخواهد داشت؛ لذا دست به توجیه و تأویل آیه تطهیر زده‌اند تا آن را از اهل بیت سلب کنند.

۵. بی توجهی به کثرت روایات صحیح و معتبر و مستند در حد تواتر در باره اختصاص آیه به پنج تن آل عبا.

۶. عدم توجه به بطلان اجتهاد شخصی در مقابل آن همه نصوص معتبر، و عامّ و شامل دانستن آیه، در صورتی که آیه دلالت به اختصاص دارد.

۷. عدم توجه به خبر واحد بودن قول عکرمه (به فرض صحّت آن) که در مقابل اخبار کثیره صحیح، تاب مقاومت ندارد.

برخی از دلایل و انگیزه‌هایی که به آنها اشاره شد، به دلیل وضوح البطلان نیاز به پاسخ ندارد و به برخی دیگر در موارد مختلف پاسخ گفته شده است.

نکته چهارم: آیات تعیین کننده وظایف زنان پیامبر

در بررسی آیات سوره احزاب که در قبل و بعد آیه تطهیر (احزاب/۳۳) راجع به زنان پیامبر آمده است به این نتیجه می‌رسیم که وظایف ترسیم شده در آیات یاد شده با محتوای موهبتی آیه تطهیر سازگاری ندارد، زیرا:

اولاً - این آیات هیچگونه فضیلتی برای همسران پیامبر اسلام (ص) اثبات ننموده است؛ بلکه آنها را به فضیلت خواهی و کسب فضیلت تحریض و تشویق می‌نماید، و به وظیفه یک زن اسلامی که می‌تواند همسر پیامبر (ص) بوده و این افتخار را تا قیامت داشته باشد آشنا می‌نماید. این توجّهات برای آن است که همسران پیامبر (ص) پا را از گلیم خود فراتر نهند، بلکه در خانه‌های خود به خانه‌داری و روش مسالمت آمیز فضیلت جویانه، اشتغال داشته و از بد رفتاری و هوسهای موهوم زنانه پرهیز کنند.

ثانیاً - انتفاء هر گونه فضیلت و اراده ویژه در باره زنان: این آیات هرگز دلالت بر اراده تکوینی ذات ازلیت بر ناآلودگی بانوان، دوری از گناه، تهذیب اخلاقی و پاکدامنی و عصمت آنها نمی‌کند؛ چرا که می‌بینیم با کلمه «ان تُرَدْنَ: اگر بخواهید» مشیّت در روش زندگی را بر دوش خود آنها گذارده و تذکر داده‌است که اگر خواهان زندگی عادی دنیایی هستید، می‌توانید از پیامبر طلاق گرفته جدا شوید که لیاقت همسری او را ندارید؛ و اگر خدا و رسول او را می‌خواهید، پس روش فضیلت جویانه در پیش بگیرید که خداوند اجر و پاداش مضاعف به شما خواهد داد.

پس ذات پروردگار، در باره زنان و پاکی، طهارت و عصمت آنان، مشیّت فوق‌العاده‌ای ندارد، بلکه این بستگی به شخص بانوان دارد که بخواهند چگونه باشند. یعنی آنها را مختار قرار داده و تذکر داده‌است که اگر راه عقل و خرد و روش مسالمت آمیز صالحانه انتخاب کنند، پاداش دو برابر خواهند گرفت، و اگر راه نفرت آفرین و زشتکاری طیّ کنند، عقوبت دو برابر خواهند داشت. منتها اگر بخواهند، افتخار همسری پیامبر را داشته باشند، باید روش صالحانه‌ای اتخاذ نمایند. بنابر این اهدافی که آیات قبل و بعد آیه تطهیر تعقیب می‌کند با هدف آیه تطهیر کاملاً متفاوت است، پس نمی‌توانند وحدت سیاق داشته باشند؛ و این که برخی به وحدت سیاق آیات تمسّک جسته‌اند، از طریق صواب به دور افتاده‌اند.

نکته پنجم: آیه تطهیر کلامی بر جسته در میان آیات دیگر

سیاق آیه تطهیر به لحاظ اراده طهارت و زدودن رجس از سوی خداوند، آشکارا با سیاق آیات قبل و بعد خود متفاوت است؛ آیه تطهیر، حکایت از مشیّت حق، بر امری مهم می‌نماید، با حُسن انتخابی در روش سخن، لحن کلام و طرز گفتار عوض می‌شود - و با تبدیل ضمیر

جمع مؤنث به جمع مذکر (كُم) - در یک جمله کوتاه می‌گوید:

«أَمَّا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَ كُومَ تَطْهِيراً» اراده خداوند این است که تنها از اهل بیت، (نه سایر مردم، و نه همسران خانه، بلکه از شایستگان بیت نبوت) روحیه شیطنت، زشتی، شک و دودلی، امراض روحی، دنائات اخلاقی، پست همّتی و ضیق صدر (رجس) را بزدايد و آنها را از هر چه رجس است، دور بدارد، و پاکی و طهارتی زایل نشدنی (عصمت) در افق فکر و روحیه آنها ایجاد کند.

پیدا است که اراده ازلی، بر پیدایش این چنین علتی در خاندان رسالت بیهوده و لغو نیست، بلکه برای آماده شدن آنها، برای یک امر مهم و خطیر اسلامی است که چیزی جز زمامداری (امامت) مسلمین نمی‌تواند باشد (اشراقی، ۱۲). پس معلوم شد که مفهوم بلند آیه تطهیر در باره پنج تن با مفهوم آیات قبل و بعد آن (در باره زنان) کاملاً متفاوت است.

نظریه چهارم: اجتهاد شخصی زیدبن ارقم

اما نظریه چهارم، نظر زیدبن ارقم است که تعبیر «اهل البيت» را به بیت نسب، عنوان نموده و می‌گوید: اهل بیت کسانی هستند که صدقه بر آنها حرام است و آنان عبارتند از: اولاد علی، اولاد عقیل، اولاد جعفر و اولاد عباس. در پاسخ باید گفت:

اولاً - مسأله حرمت صدقه بر اولاد هاشم امری جداگانه و دارای فلسفه جداگانه‌ای است که هیچ ارتباطی به آیه شریفه تطهیر ندارد، و ما تا آنجا که بررسی کرده‌ایم برای این سخن و این ارتباط، روایتی هم نیافتیم.

ثانیاً - تفسیر زید از اهل بیت به عنوان روایت نبوده، بلکه اجتهاد شخصی او است و این سخن را به پیامبر نسبت نداده است، نظر شخصی او هم، اجتهاد در مقابل این همه نصوص، قطعی بوده و لا محاله باطل است.

ثالثاً - اگر نظر و کلام زید، درست بود، بر پیامبر اسلام لازم بود تا همان معامله و رفتار را که با پنج تن آل عبا انجام دادند - یعنی آنها را زیر عبا جمع کرد و اعلام کرد که خدایا اینان اهل بیت من هستند، و نیز مدتها که به طور مکرر از جلوی در خانه فاطمه (ع) ردّ می‌شدند آیه تطهیر را برای آنها تلاوت می‌فرمودند و ... در باره آل جعفر، آل عقیل و آل عباس نیز انجام

دهند.

بدین ترتیب بطلان هر سه نظریه (اختصاص آیه تطهیر بر زنان - عمومیت و شمول آیه بر زنان و پنج تن با هم - و مراد از بیت، بیت نسب بودن) ثابت می‌شود، و فقط نظر اول که آیه تطهیر، تنها به پنج تن (محمد (ص)، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام)، اختصاص دارد، صحیح و استوار و ثابت باقی می‌ماند.

منابع

آلوسی، شهاب الدین سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و سبع المثانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ هـ / ۱۹۸۵ م.

ابن اثیر، علی بن ابی الکریم جزری، الکامل، مصر، طبع منیریة.

ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری فی شرح البخاری، قاهره، البابي الحلبي، ۱۳۴۸ هـ.

ابن حجر هیثمی، احمد بن محمد هیثمی (هیثمی)، الصواعق المحرقة علی اهل البدع والضلال و الزندقة، مصر، دارالبلاغه.

ابن العربی، ابو بکر محمد بن عبدالله، احکام القرآن، مصر، ۱۳۹۲ هـ.ق.

ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۲ هـ / ۱۹۸۲ م.

ابو السعود، محمد بن محمد العمادی، ارشاد العقل السليم الى مزايا القرآن الكريم، بیروت، دار احیاء التراث.

اشراقی، شهاب الدین و آیت الله فاضل لنکرانی، اهل البيت يا چهره‌های درخشان در تطهیر، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ ش.

امینی نجفی، عبدالحسین احمد، الغدير فی الكتاب و السنة و الأدب، طهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶ هـ.ش.

بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، غاية المرام فی حجة الخصام عن طريق الخاص و العام، بیروت، اعلمی.

بیضاوی، ناصرالدین عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیروت اعلمی،

١٤١٥ هـ / ١٩٩٥ م.

بغوي، حسين بن مسعود بن محمد (ابي الفراء)، معالم التنزيل في التفسير، بمبئي ١٣٩٥ هـ. ق.
 بيومي مهران، محمد، الأمامة واهل البيت، بيروت، مركز الغدير، ١٤١٥ هـ / ١٩٩٥ م.
 ثعالبى، عبدالرحمن بن محمد بن مخلوف، الجواهر الحسان في تفسير القرآن، بيروت، اعلمى.
 جعفرى، محمد تقى، ترجمه و تفسير نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامى، ١٣٦٢ هـ. ش.

حاكم حسانى، عبدالله بن احمد، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل في الآيات النازلة في اهل البيت (ع)، مجمع احياء الثقافة الاسلامية، ١٤١١ هـ / ١٩٩٥ م.

حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله بن حمدويه، المستدرک على الصحيحين، حيدر آباد دکن، بدون تاريخ.

حقى بروسوى، شيخ اسماعيل، روح البيان في تفسير القرآن، بيروت، دار احياء التراث، ١٤٠٥ هـ / ١٩٨٥ م.

حلبى، برهان الدين، الكشف الحثيث عمّن رُمى بوضع الحديث، بيروت، عالم الكتب، ١٤٠٧ هـ / ١٩٧٨ م.

خطيب بغدادى، احمد بن على بن ثابت بغدادى، تاريخ بغداد، قاهره، بدون تاريخ.
 ذهبى، ابو عبدالله شمس الدين محمد، تذكرة الحفاظ، بيروت، دار احياء التراث، بدون تاريخ.
 ذهبى، محمد حسين، التفسير والمفسرون، دار احياء التراث، ١٣٩٦ هـ. ق.

سيوطى، جلال الدين عبدالرحمن، الدر المنثور في التفسير بالمأثور، كاظمين، دار الكتب العراقية، افست مطبعة اسلامية و مكتبة جعفرية، طهران ١٣٧٧ هـ. ق.

شبلنجى، مؤمن بن حسن، نور الابصار في مناقب آل البيت النبى المختار.
 شرف الدين، عبدالحسين (موسوى).

شوشترى، شيخ محمد تقى، قاموس الرجال، مركز نشر كتاب، ١٣٨٤ هـ.

شوكانى، محمد بن على بن محمد، فتح القدير الجامع بين فنى الراوية والدراية في علم التفسير، شركة مكتبة و مطبعة، ١٣٨٣ هـ / ١٩٦٤ م.

طبرانى، حافظ ابوالقاسم سليمان بن احمد، المعجم الكبير، بيروت، دار احياء التراث ١٤٠٤ هـ.
 طبرى آملى، ابو جعفر محمد بن جرير، تاريخ الامم والملوك، ترجمه ابوالقاسم پاينده، تهران،

انتشارات اساطیر.

همو، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۶هـ / ۱۹۸۶م.
طنطاوی جوهری، استاد حکیم، الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم، بیروت، دارالفکر، ۱۳۵۰هـ.
عاملی، سید جعفر مرتضی، اهل بیت در آیه تطهیر، ترجمه محمد سپهری، قم، دفتر تبلیغات
اسلامی، ۱۳۷۲هـ.ش،

فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، داراحیاء التراث، ۱۴۱۵هـ / ۱۹۹۵م.
فیروز آبادی، سید مرتضی الحسینی، فضایل الخمسة من الصحاح الستة، بیروت، اعلمی،
۱۴۰۲هـ / ۱۹۷۹م.

قرطبی، محمد بن احمد بن ابی بکر بن فرح الانصاری، الجامع لاحکام القرآن،
مصر، ۱۳۵۸هـ.ق.

کاشفی، کمال الدین حسین، مواهب علیة، با تصحیح سید محمد رضا جلالی نائینی.
مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار، بیروت،
مؤسسه وفا، ۱۴۰۳هـ.ق.

محدث قمی، شیخ عباس بن محمد رضا، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار،
ایران، ۱۳۵۵هـ.ق.

مظفر، الشیخ محمد حسن، دلائل الصدق، قاهره، دارالعلم، ۱۳۹۶هـ / ۱۹۷۶م.
موسوی (شرف الدین)، سید عبدالحسین، الكلمة الغراء فی تفضیل فاطمة الزهراء، همراه
الفصول المهمة.

میبدی، ابوالفضل رشیدالدین، کشف الاسرار و عدة الابرار، تهران، انتشارات
امیر کبیر، ۱۳۵۷هـ.ش.

نمازی شاهرودی، شیخ علی، مستدرکات علم رجال الحدیث، تهران، شفق، ۱۴۱۲ق.
نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد بن حسین قمی، غرایب القرآن و رغایب الفرقان، در
حاشیه جامع البیان، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۶هـ.ق.

واحدی نیشابوری، ابوالحسن علی بن احمد، اسباب النزول، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۲ق.
وجدی محمد فرید، دایرة المعارف القرن العشرين، بیروت، دارالفکر، ۱۹۷۹م.